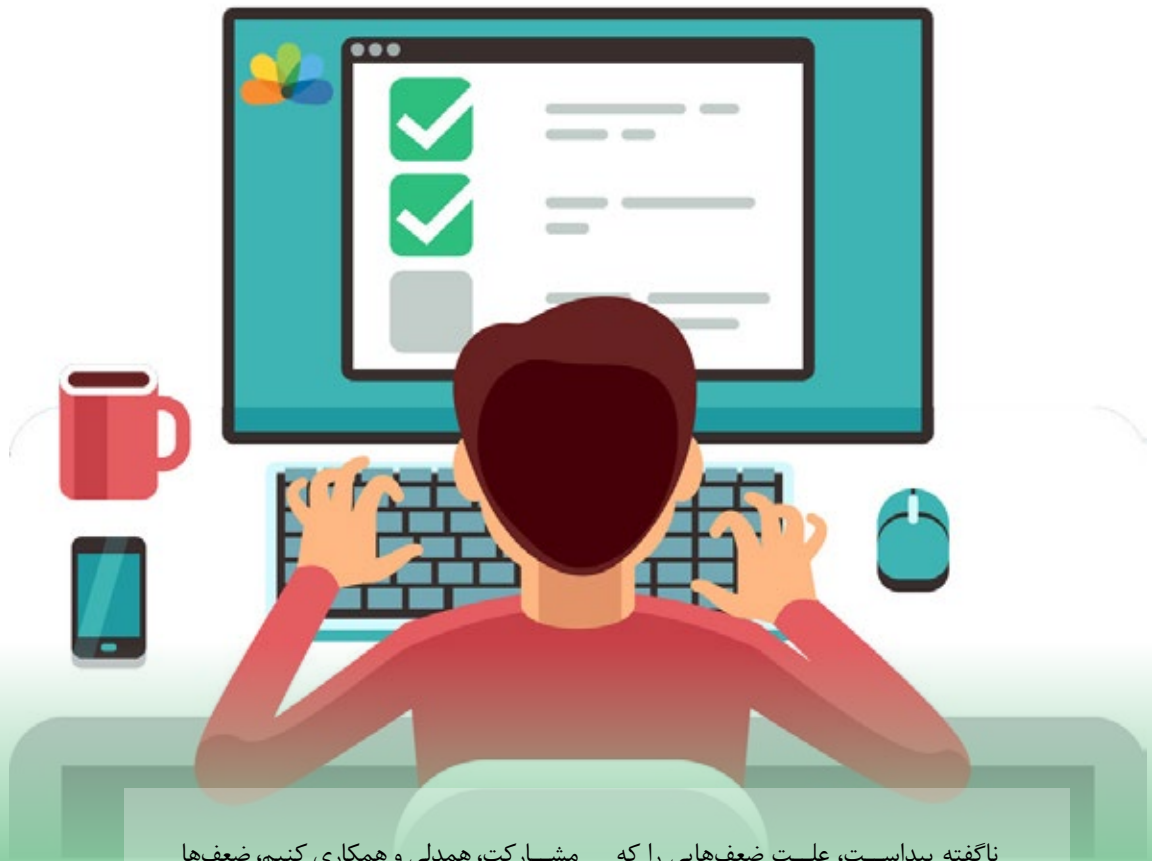


نردبان کرونا

به دلایل گوناگون، از جمله آماده نبودن زیرساخت‌ها و ناتوانی در مدیریت و کمبود امکانات، نتوانست به موقع و به جا قد برافرازد و با مشکلات و معضلات مقابله کند. و صدا البته که این ضعف، از آماده نبودن چندین ساله نظام آموزش و پرورش برای چنین بحران‌ها و بیماری‌های نوظهوری حکایت دارد. تقریباً در دو دهه اخیر، برای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و ایجاد زیرساخت‌های الکترونیکی و آموزش بر بستر دیجیتال، جز در چند مورد اندک و جزئی که بیشتر شامل نظام اداری و کارکنان، پرداخت‌ها و راه‌اندازی چند سایت بوده است، گامی برداشته نشده است!

این در حالی است که در بسیاری از کشورها، از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳، در راستای آموزش آنلاین و الکترونیکی دانش‌آموزان برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری شده و در سال ۲۰۱۴، تقریباً ۹۰ درصد دانش‌آموزان آن‌ها موفق شدند به روش آنلاین آموزش ببینند. این فرصت و این امکانات موجب شده است معلمان، مدیران و والدین نیز آموزش‌های لازم را ببینند، به طوری که امروز شاهد موفقیت‌های چشمگیر آنان در عرصه مقابله با ویروس کرونا در امر آموزش هستیم.

اوضاع و احوالی که در شرایط کرونا، این بیماری همه‌گیر جهانی، در عرصه آموزش و پرورش شاهد آن هستیم، به ویژگی و ذات این بیماری مربوط است و بیشتر به آزمایشی الهی برای همه بشریت شباهت دارد. جوامع و اشخاصی که آمادگی بیشتری داشتند و از قبل خویش‌تن و استعداد‌های آشکار و پنهان جامعه خود را برای انواع بحران‌ها آماده کرده و صاحب برنامه، نگاه راهبردی و اندیشه و فرهنگ قانون‌مداری و مشارکت‌پذیری بالایی بودند، راحت‌تر و بهتر توانستند با شرایط ابهام و عدم قطعیت مواجه شوند و آن را به خوبی مدیریت کنند. حال بودند و هستند جماعت‌ها و اجتماعاتی که بنا به دلایل گوناگون، از جمله قانون‌گریزی، همراهی نکردن جمعی و کاهلی در خودمراقبتی و دیگرمراقبتی، مدیریت ضعیف و نظام سلامت نه‌چندان قوی، امکانات پزشکی کم و نیز زیرساخت‌های الکترونیکی ناکارآمد و بهتر است گفته شود بسیار ناکارآمد، نتوانستند آن گونه که باید با بحران‌ها و ناملازمات مواجه شوند و آن‌ها را مدیریت کنند. آموزش و پرورش، مدرسه و کلاس درس نیز از جمله مقوله‌ها و عرصه‌هایی است که



مشارکت، همدلی و همکاری کنیم، ضعف‌ها را به کمک یکدیگر جبران کنیم و این فرصتی را که ویروس کرونا در باور به توسعه سازه‌های نرم و سخت فناوری و بسترهای الکترونیک و آموزش‌های آنلاین به وجود آورده است، قدر بشناسیم. به جای مقصریابی، با همدیگر همسو و هم‌جهت شویم و یاریگر هم در رسیدن به آموزش‌های بهتر و برتر، و جبران مافات. البته این به معنی ندیدن کاستی‌ها و بی‌مبالاتی‌ها و کم‌کاری‌های برخی از بخش‌ها، افراد و دست‌اندرکاران داخل و خارج از آموزش‌وپرورش نیست!

سخن پایانی اینکه، نگاه و تفکر راهبردی پیشه کنیم تا بیشتر، دورتر و زودتر از دیگران ببینیم. فراموش نکنیم که آینده به‌طرف ما می‌آید، با خود تحولات بسیاری می‌آورد و آثاری در پی دارد. مهم است درک کنیم آینده چه چیزهایی را با خود می‌آورد تا در این اندیشه برنامه‌ریزی کنیم که خود و سازمان خویش را چگونه و با چه راهبردهایی، با مسائلی که پیش می‌آید، سازگار کنیم. ■

ناگفته پیداست، علت ضعف‌هایی را که امروز در آموزش‌های مجازی و غیرحضوری در آموزش‌وپرورش شاهد آن هستیم، نباید تنها در این دولت و در وزارت فعلی آموزش‌وپرورش و تشکیلات آن بجوییم. بپذیریم که این ضعف‌ها و کمبودها، در گذشته و نبود نگاه راهبردی و آینده‌نگرانه دولت‌مردان و مدیران ارشد آموزش‌وپرورش، از گذشته تاکنون، ریشه دارد؛ کسانی که دانسته و ندانسته از زیر بار توسعه فناوری در مدرسه‌ها شانه خالی کردند یا برنامه‌ای برای آن و اعتقادی به آن نداشتند. با این وصف امروز شاهد آنیم که بیش از ۳/۵۰۰/۰۰۰ دانش‌آموز از دسترسی به آموزش‌های مجازی محروم‌اند و بقیه‌ای که از آن بهره می‌برند، کیفیت آموزشی بالایی را تجربه نمی‌کنند. هم شبکه‌های ذی‌ربط ضعیف‌اند، هم معلمان، مدیران و کارشناسان آموزش‌های لازم را ندیده‌اند و هم محتوای درسی متناسب با این شرایط بازطراحی نشده است. بنابراین، همگی باید همتان را صرف